

عید ظهور مسیح

بشنو ، خدای ما خداوند یکتاست ، شما باید خداوند ، خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام توان دوست بدارید: (کتاب تثنیه باب ۶ آیه ۴-۶).

اعتقاد نامه ما مسیحیان که بنام اعتقاد نامه نیقیه معروف است و در قرن چهارم تدوین شد با این کلمات آغاز می شود: "ما ایمان داریم به خدای واحد ، پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و تمام هستی ، دیدنی و نادیدنی" (رجوع شود به کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک صفحه ۹۶).

اما ایمان ما به یکتا بودن خدا به معنی تک و تنها بودنش نیست . بر حسب کتاب مقدس ، خدا از تنها بودن آدم خوشحال نیست به همین دلیل برای او همدمی را میسازد. "خداوند فرمود: خوب نیست آدم تنها زندگی کند. بهتر است یک همدم مناسب برای او بسازم تا او را کمک کند" (کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۱۸).

تک و تنها بودن و برای خود زندگی نمودن می تواند نشانه ای از خودخواهی و خودپرستی باشد. لیکن چون خدا محبت و دوستدار همه مردم است لذا نمی تواند تک و تنها باشد. با در نظر گرفتن توضیحات بالا می شود گفت که از دیدگاه مسیحیت مهمترین و اصلی ترین ویژگی خدا یگانه و سه گانه بودن او می باشد ، یعنی خدای واحد در سه تا شخص بنام پدر ، پسر و روح القدس .

دوستان گرامی ، روز ششم ژانویه (۱۷ دی) ما مسیحیان مشرق زمین عید باشکوه ظهور خداوند ما عیسی مسیح را جشن گرفتیم . این عید مقدس به یاد بود تعمید سرور و نجات دهنده ما عیسی هر سال برگزار می شود. طبق انجیل متی باب ۳ زمانیکه یحیی تعمید دهنده مردم را جهت توبه تعمید میداد ، عیسی نیز آمد و از او درخواست تعمید نمود. پس از اینکه در رود اردن تعمید گرفت و هنگامیکه از آن بیرون می آمد ناگهان آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که مانند کبوتری نازل شده و بسوی او میاید ، و صدایی از آسمان شنیده شد که می گفت : «این است پسر من که از او خشنودم» انگیزه نامگذاری این عید بنام «ظهور» آشکار شدن رازیکه در عیسی مسیح نهفته بود می باشد و این راز عبارت است از پسر خدا بودن او که توسط روح القدس که بر وی نازل شد و صدای پدر آسمانی که او را بعنوان پسر عزیز وی شناخت اعلام گردید.

همچنین رویداد تعمید مسیح راز خدای واحد و سه گانه را ظاهر نمود. لازم به یادآوری است که طبق ایمان ما مسیحیان سه گانه بودن خدا به معنی ایمان داشتن به خدایان متعدد هرگز نمی باشد. پیام اصلی کتاب مقدس ما و همچنین آموزه های کلیسا که هیچ گونه اشتباهی را نمی پذیرد تأکید بر یگانگی و وحدانیت خدا دارد. موسی کلیم الله ، خطاب به قوم اسرائیل می گوید: "ای اسرائیل

دوستان عزیز: عید ظهور سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح فرصتی است بسیار گرانبها تا اینکه به راز تعمید خودمان بیاندیشیم و از تحولی که در زندگی ما ایجاد کرده آگاهی عمیقتری داشته باشیم. طبق تعالیم کلیسا، که ریشه در پیام انجیل مقدس دارد، راز تعمید آغاز یک زندگی کاملاً نوین می باشد. به ما فیض ایمان به خدای واحد و سه گانه را عطا می نماید و با قدرت روح القدس که بر ما نازل می شود بعنوان فرزندان خدا متولد می شویم. "اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند، این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند، که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی، بلکه از خدا تولد یافتند" (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱۲-۱۳).

اما پولس رسول بر بعد مسیح شناسی راز تعمید تأکید دارد، ایشان در رساله اش به رومیان می فرماید: "آیا نمی دانید که وقتی ما در اتحاد با عیسی مسیح تعمید یافتیم، در اتحاد با مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید خود با او مدفون شدیم و در مرگش شریک گشتیم تا همانطوری که مسیح به وسیله قدرت پر شکوه پدر، پس از مرگ زنده شد، ما نیز در زندگی تازه ای بسر ببریم" (باب ۶ آیه ۳-۴).

طبق آیات فوق، فیض تعمید از هم اکنون ما را با مسیح زنده متحد میسازد و از اسارت گناه مرگ ما را آزاد می کند و همچنین فیض عضو کلیسا شدن را به ما می دهد تا اینکه در انجام رسالت نجاتبخش آن فعالانه شرکت کنیم. رسالتی که عیسی به کلیسایش محول نمود در آیات ذیل بیان شده است. "پس بروید و همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند و بدانید که من هر روزه

تا آخر زمان با شما هستم" (انجیل متی باب ۲۸ آیه ۱۹-۲۰).

اما تا اینکه بتوانیم اعضای فعال کلیسا باشیم، نیاز است که کوشش و تلاش نمائیم تا ایمان خود را به مرحله رشد و بلوغ برسانیم یعنی آنرا بارور و مثمر ثمر سازیم. بذر ایمان که در روز تعمید در قلبمان کاشته شد نشانه تولد روحانی و آغاز زندگی مسیحی مان می باشد، و برای اینکه این بذر مقدس و پر فیض به ایمانی استوار و ریشه دار مبدل شود باید توسط دعای روزانه و زندگی کردن طبق تعالیم انجیل مقدس و درخواست کمک از روح القدس آنرا تغذیه و تقویت کنیم و در غیر اینصورت آن بذر حیات عقیم و بی فایده می ماند. پولس رسول خطاب به مسیحیان شهر کولس می فرماید: "پس همانطوری که روزی مسیح عیسی را بعنوان خداوند خود پذیرفتید، اکنون همیشه در اتحاد با او زندگی کنید. در او ریشه بگیرید و رشد کنید. همانگونه که تعلیم یافتید در ایمان استوار باشید و در ستایش خدا برای دیگران نمونه باشید" (رساله به کولسیان باب ۲ آیه ۶-۷).

خوشبحال ما اگر روز به روز از فیض گرانبهای تعمید و زندگی مسیحی آگاهتر باشیم.

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

"یک کار قشنگ"



وقتی عیسی در بیت عنیا در منزل شمعون جذامی بود، زنی با شیشه ای از عطر گرانبها پیش او آمد و در حالیکه عیسی سر سفره نشسته بود آن زن عطر را روی سر او ریخت. شاگردان از دیدن آن عصبانی شده گفتند: «این اسراف برای چیست؟ ما می توانستیم آنرا به قیمت خوبی بفروشیم و پولش را به فقرا بدهیم!» عیسی این را فهمید و به آنان گفت: «چرا مزاحم این زن می شوید؟ او کار بسیار خوبی برای من کرده است. فقرا همیشه با شما خواهند بود اما من همیشه با شما نیستم. او با ریختن این عطر بر بدن من مرا برای تدفین آماده ساخته است. بدانید که در هر جای عالم که این انجیل بشارت داده شود آنچه او کرده است به یاد بود او نقل خواهد شد.» (انجیل متی ۲۶/۶-۱۳)

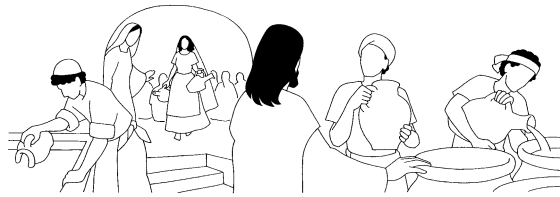
این واقعه از سوی هر سه انجیل نگار اناجیل نظیر با ظرافت تمام نقل شده است.

عیسی در حال رفتن بسوی اورشلیم بود؛ آنجایی که خیانت یک دوست، دستگیری، عذاب و شکنجه و نهایت مرگ در انتظارش بودند. در این چهارچوب تاریک، ناگاه حرکت زنی گمنام می درخشد... او ساکت و متین وارد می شود، در دستش یک ظرف عطر دارد. حرفی به زبان نمی آورد و فوراً عمل می کند: عطرش را تماماً می پاشد بر عیسی حرکتی که در کلام خدا به منزله ستایش و تکریم و محبت بسیار است.

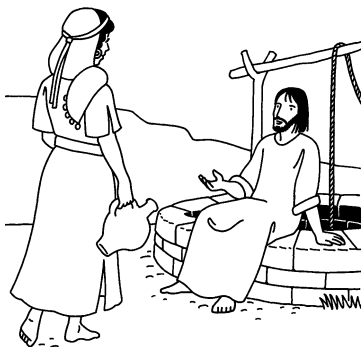
«چون پادشاه بر سر سفره می نشیند، سنبل من بوی خود را می دهد» (غزل غزلها ۱۲/۱)
در اینجا سنبل کنایه از رایحه عشق است.

عطر در این واقعه همانند، شراب در عروسی قانا یک نیاز مبرم محسوب نمی شد بلکه نهایت لطف است. رابطه بین خدا و انسان در این سطح "نهایت لطف" رخ می دهد. مصاحبت خدا با انسان در فضای بی نهایت زیبای عشق رخ می دهد و نه در کادر خشک و قانونی. خدا، آفریده اش را از پری خویش مملو می سازد: «آن محبت را دریابید (اگرچه مافوق فهم بشر است) تا از پری کامل خدا کاملاً پر شوید.» (افسس ۱۹/۳) و فیض بر وی بخشد: «از فیض سرشار او، پیوسته برکات فراوانی یافته ایم.» (یوحنا ۱۶/۱)، پری حیات: «دزد می آید تا بدزدد، بکشد و نابود سازد. من آمده ام تا آدمیان حیات یابند و آن را به طور کامل داشته باشند.» (یوحنا ۱۰/۱۰).

خلاصه منطق این ارتباط خدا با انسان نه بر روی "حداقل لازم" بلکه بر "نهایت امکان" بنا شده است. در واقع عیسی این میزان را در گفتار و کردارش عیان ساخته: در عروسی قانای جلیل مقدار آبی که به شراب مبدل می کند به حد غیر قابل تصور و از نظر کیفیت عالی است.



عیسی در معجزه ازدیاد نان برای هزاران نفر چنان می کند که دست آخر ۱۲ سبد از اضافه نان جمع آوری می شود.



آبی که عیسی به زن سامری وعده می دهد نه تنها رفع تشنگی می کند بلکه در جان شخص به چشمه آب ابدی مبدل می شود.

پس از رستاخیز مسیح در واقعه صید معجزه آسا ، صید چند ماهی کافی بود تا شاگردان بدانند که او مسیح برخاسته از مرگ است ، اما انجیل نگار بر عدد ۱۵۳ تأکید می کند که به منزله یک صید بزرگی از ماهی می باشد.



حقیقتاً عیسی می خواهد که شاگردانش نیز دست و دل باز باشند: «بدهید که به شما داده خواهد شد ... (لوقا ۳۸/۶) ؛ عیسی می خواهد که ایشان بلندنظر بوده و در پی برقراری عدالتی باشند که از خداست و نه از انسان که از شدت تنگ نظری اش براستی بینوا و مسکین می باشد (متی ۲۰/۵) آری ، عیسی می خواهد که پیروانش بیشتر و بیشتر شبیه "پدر" باشند. (متی ۴۸/۵).

پولوس که فریفته سخاوت الهی بود ، دعا می کرد تا با همه مقدسین قدرت داشته باشید به پهنا و درازا و بلندی و عمق محبت مسیح پی ببرید. (افسس ۱۸/۳) آنکه قلبی سخت و ذهنی بسته دارد ، نه می تواند مفهوم عطر پاشیده را دریابد و نه محبت بلاعوض را درک می کند.

یکی از الهیات دانان بنام رومو گوآردینی می گوید: کسی که هر دفعه می پرسد "این برای چیست" "چرا باید اینطور باشه" ... حتماً بهشت نیز برایش کسل آور خواهد بود.

در واقعهٔ بیت عنیا ، شاگردان در چنین حالتی قرار دارند: چرا اینطور؟ چطور؟ برای چی ... ایشان حرکت این زن را با معیارهای حقیرانه ای می سنجند ، به همین خاطر مفهوم عطر پاشیده را نمی فهمند. قیمت عطر را می دانند اما ارزش اینطور پاشیده شدنش را نفهمیدند. ولی عکس العمل عیسی چیز دیگریست: او از حرکت زن دفاع می کند و از شاگردانش انتقاد می کرد. عیسی رفتار زن را اصیل و خالص تلقی کرده و آن را "کار قشنگ" می نامد. "قشنگ" چون از نهان ترین قسمت وجود یک انسان برخاسته بود ؛ بنابراین حاکی از محبت ، کاملاً خالص ، بدون توقع عوضی ، پاک ، آزاد ، بدون حساب و بدون در نظر داشتن قضاوت دیگران بوده است.

عیسی یکی از زیباترین سخنانش را خطاب به زن به زبان می آورد که حاکی از ستایش و تحسین وی بود. عیسی ، زن را با اندازه های "نیک و بد" و یا "شایسته یا نامناسب" قضاوت نمی کند ، بلکه فقط زیبایی عمق عمل را مشاهده کرده تحسین اش می نماید. بین ایشان سخنی رد و بدل نمی شود بلکه در این متن سکوت ، انعکاس زیباترین واژه هاست. و عیسی می خواهد که همه عالم از این واقعه مطلع گردد: «هر آینه به شما می گویم هر جایی که در تمام عالم بدین انجیل موعظه کرده شود ، کار این زن نیز به جهت یادگاری او مذکور خواهد شد» این کار قشنگ یک مفهوم نبوتی هم داشت که عیسی آن را بازگو کرد: «این زن که عطر را بر بدنم مالید ، به جهت دفن من کرده است.»

پطرس رسول ، اعتراف کرده بود که عیسی همان مسیح موعود است (مرقس ۲۷/۸-۲۹) و این زن با تدفین عیسی به عطر ، مرگ مسیح موعود را اعلام کرده بود. نه تنها مرگ مسیح موعود را اعلام می کرد ، بلکه تحقق نبوتهای اشعیای نبی در باب معرفی خادم رنجبر بیهوش در شخص عیسی را نمایان ساخته بود: عیسی خود کاهن و قربانی بود. شاگردان با اینکه بارها از زبان عیسی در باب مرگ قریب الوقوعش شنیده بودند ، اما نمی توانستند آن را بفهمند و قبول کنند ، این زن با تدهین جسم عیسی به عطر ، رایحه رستاخیز را منتشر ساخته بود.

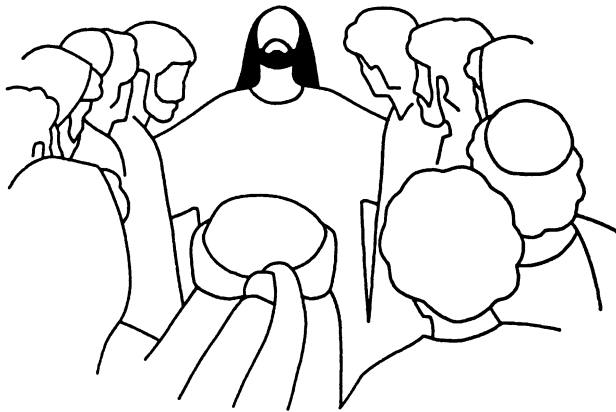
در حالی که ، شاگردان مطابق معیارهای مسخره کوچک عادی درباره عطر ریخته شده به حساب و کتاب پرداخته بودند ، زن نقشه نجات الهی را در راز مرگ عیسی اعلام می نمود.



اگر در انجیل دقت کنید ، بعد از این واقعه ، شستشوی پای شاگردان ، شام آخر و تأسیس راز قربانی مقدس که در خلال آن عیسی با انجام حرکاتی به نحوی پرده از راز مرگ و رستاخیزش بر می داشت ، پشت سر هم آمده اند. آنچه این زن کرد با آنچه مسیح در شام آخر نمود در هم آمیخته و برای ابد باقی ماندند.



با نمک و یا بدون آن



مسیح روی کوه ، سخنان شگفت انگیزی به شاگردان خویش گفت. کمی قبل از آن ، عیسی بیماران بسیاری را شفا داده بود ؛ و در این وقت داشت به مردم می گفت که خوشبختی همیشه در دسترس ما نیست. و ادامه داد:

شما نمک جهان هستید ، اگر نمک خاصیت خود را از دست بدهد چه باید کرد؟ آن دیگر ارزشی ندارد. باید انداختش تا مردم بر آن راه روند!

نمک جهان بودن یعنی چه؟

عیسی ایمان را مثل نمک می داند ، اگر ایمان انسان نتواند به زندگی او مفهومی بدهد دیگر فایده ای ندارد. آنکه کلام خدا را بشنوند ولی در زندگی روزانه اش آن را اجرا نکند شنیدن او از دل نبوده بلکه فقط صدایی به گوش رسیده و از آن رد شده.

مقدار کمی کافی است

مقدار بسیار کمی از نمک کافی است که یک دیگ غذا را خوشمزه کند. عیسی می گوید که مسیحیان باید در میان مردمان دیگر مثل نمک باشند همین طعم خوش زندگی را نمایان سازند.

نوری که جهان را روشن می سازد

عیسی می گوید : شما نور جهان هستید ، شهری که روی کوه بنا شده نمی تواند پنهان بماند. وقتی چراغی روشن می کنیم برای این نیست که آن را زیر تشنه بگذارند ، بلکه تا خانه را روشن کنند. عیسی می خواهد بگوید که زندگی پیروانش باید پر از کارهای درست و نیکو باشد زیرا از این راه می توانند مثل چراغی در میان مردمان دیگر بدرخشند.



با دیدن کارهای خوب و درست ایشان ، مردم پدر آسمانی را جلال می دهند.

خیلی ها خدا را نمی شناسند و یا به او ایمان ندارند. اما عیسی می گوید ، اگر ایمانداران از بودن و زیستن با خدا خوشبخت باشند ، سایرین هم با او آشنا خواهند شد.

همیشه کسانی که خدمت می‌کنند را به یاد داشته باشید

در روزگاری که بستنی با شکلات به گرانی امروز نبود، پسر ۱۰ ساله‌ای وارد قهوه فروشی هتلی شد و پشت میزی نشست. خدمتکار برای سفارش گرفتن سراغش رفت پسر پرسید: بستنی با شکلات چند است؟

خدمتکار گفت: ۵۰ سنت

پسر کوچک دستش را در جیبش کرد، تمام پول خردهایش را در آورد و شمرد.

بعد پرسید: بستنی خالی چند است؟

خدمتکار با توجه به این که تمام میزها پر شده بود و عده‌ای بیرون قهوه فروشی منتظر خالی شدن میز ایستاده بودند، با بی‌حوصلگی گفت: ۳۵ سنت

پسر دوباره سکه‌هایش را شمرد و گفت: برای من یک بستنی بیاورید.

خدمتکار یک بستنی آورد و صورت حساب را نیز روی میز گذاشت و رفت. پسر بستنی را تمام کرد، صورت حساب را برداشت و پولش را به صندوقدار پرداخت کرد و رفت. هنگامی که خدمتکار برای تمیز کردن میز رفت، گریه‌اش گرفت. پسر بچه روی میز در کنار بشقاب خالی، ۱۵ سنت برای او انعام گذاشته بود یعنی او با پول‌هایش می‌توانست بستنی با شکلات بخورد اما چون پولی برای انعام دادن برایش باقی نمی‌ماند، این کار را نکرده بود و بستنی خالی خورده بود !!

یک شب، حدود ساعت ۱۱/۵، یک زن مسن سیاه پوست آمریکایی در کنار یک بزرگراه و در زیر باران شدیدی که می‌بارید ایستاده بود. ماشینش خراب شده بود و نیازمند استفاده از وسیله نقلیه دیگری بود. او که کاملاً خیس شده بود دستش را جلوی ماشین که از روبرو می‌آمد بلند کرد. راننده آن ماشین که یک جوان سفیدپوست بود برای کمک به او توقف کرد. البته باید توجه داشت که این ماجرا در دهه ۱۹۶۰ و اوج تنش‌های میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان در آمریکا بود.

مرد جوان آن زن سیاه‌پوست را به داخل ماشینش برد تا از زیر باران نجات یابد و بعد مسیرش را عوض کرد و به ایستگاه قطار رفت و از آن جا یک تاکسی برای زن گرفت و او را کمک کرد تا سوار تاکسی شود. زن که ظاهراً خیلی عجله داشت از مرد جوان تشکر کرد و آدرس منزلش را پرسید. چند روز بعد، مرد جوان در خانه بود که صدای زنگ در برخاست. با کمال تعجب دید که یک تلویزیون رنگی بزرگ برایش آورده‌اند. یادداشتی هم همراهش بود با این مضمون: «از شما به خاطر کمکی که آن شب به من در بزرگراه کردید بسیار متشکرم باران نه تنها لباس‌هایم که روح و جانم را هم خیس کرده بود. تا آن که شما مثل فرشته نجات سر رسیدید به دلیل محبت شما، من توانستم در آخرین لحظه‌های زندگی همسرم و درست قبل از این که چشم از این جهان فرو بندد در کنارش باشم. به درگاه خداوند برای شما به خاطر کمک بی‌شائبه به دیگران دعا می‌کنم.»

مدرسه و بعد ... ؟

- محصلین سال آخر دبیرستان هستیم و تنها آرزویمان خلاص شدن از مدرسه است - اما آیا براستی مدرسه ما را برای زندگی ای که در انتظارمان است آماده کرده؟!

دوستان عزیز ، بسیاری از همسن های شما ، عین خودتان فکر می کنند می خواهند هر چه زودتر از درس و کلاس خلاص شوند. اما آیا از خودتان سؤال کرده اید: که بعدش چی بشه؟

به سن شما که بودم ، من هم دلم می خواست هر چه زودتر نتیجه سعی و تلاشم را ببینم ، زمان ما مثل زمان شما این همه مشغولیت های جانبی نبود و معمولاً جوانان زندگی متعادل تری را می گذرانند. هیچ وقت از درس خواندن خلاصی نبود چون همیشه فرداش درس برای جواب دادن داشتیم.

اما باید بگویم که قشنگ ترین خاطره دوران دبیرستانم این بود که هیچوقت از آموختن و بیشتر فهمیدن خسته نمی شدم.

البته آنچه بعدها شناختم و فهمیدم در مقابل آنچه که لای ورقها یاد گرفتیم هزار بار بیشتر بود ... و همچنان از آنچه می آموختم ، لذت می بردم ... طبعاً نه در هر موردی چون مثلاً تاریخ برایم خسته کننده بود و نمی فهمیدم چرا باید فلسفه و منطق خواند. ولی شناختن ملل متفاوت و آشنایی با طرز فکر و ذات شان در آثار هنری هر یک برایم بسیار جالب بود.

این حس "آموختن و دریافتن" هر بار نگرش جدیدی را بر وقایع و حقیقت نهفته در آنها بوجود می آورد. اشتیاق به "دریافتن" به "فهمیدن" ، باعث می شد مرتب این سؤال را از خودم بکنم : می خواهم در زندگی چکار بکنم؟

آیا امکان این هست که از همان ایام دبیرستان سکان زندگی را بدست گیریم؟

معمولاً همه بچه ها ایام تحصیل تا دیپلم را با میل طی نمی کنند. اینجا نقش افراد بزرگتر خیلی حساس و

تعیین کننده است! که متأسفانه بزرگترها بلد نیستند چطور اهمیت تحصیل را به جوانان خود روشن بنمایانند.

هرگز نباید مشاهدات و حتی نامدائیهای یک جوان را نادیده گرفت. در حقیقت "مدرسه" فقط یک مکان است مهم افرادی هستند که با جوانان در آن مکان همراهی می کنند.

قبل از اینکه به اهمیت مدرسه رفتن و تحصیل کردن بپردازیم باید از خود سؤال کنیم که وقت و زمانی که در مدرسه می گذرد از چه کیفیتی برخوردار است.

تا وقتی که ارزش "گذشت زمان" را درک نکرده باشیم و برایمان مهم نباشد آن را داریم چطور تلف می کنیم ، یعنی به چگونگی گذر زندگی روزانه مان اهمیت قائل نشده ایم. شاید بتوان ایام دبیرستان را در زندگی یک شخص ، به شروع چیدن "پازل" زندگیمان تشبیه نمود. "پازل" نمادی از آینده ماست. اوایل جوانی ایام دیرگذر و پر زحمت به نظر می رسند. درست عین در کنار هم قرار دادن اولین تکه های یک پازل.

مهم نقطه شروع است و بهترین شروع در ایام دبیرستان یافتن اشخاص کلیدی است ؛ یعنی آنانی که می فهمند از زندگی چه می خواهند و رفتار و کلامشان دال بر مسیری است که در حال طی آن برای رسیدن به یک هدف مشخص می باشد. چنین افرادی در زندگی هر انسانی حاضرند فقط باید بخواهیم که پیدایشان کنیم. اگر از جوانی چگونه "شنیدن" و "دیدن" را بیاموزیم قادر به تشخیص درست هم خواهیم بود.

دوستان عزیز ، اگر از نقطه درستی شروع به چیدن قطعات "پازل" آینده تان بنمائید از همان ایام دبیرستان سکان زندگی در دست شماست. شما برای زندگیتان تصمیم خواهید گرفت و نه زندگی برای شما!

اخبار و تقویم کلیسایی

۱۴ بهمن ۹۵ = ۲ فوریه ۲۰۱۷، عید شمعون پیر، مراسم این عید روز جمعه ۳ فوریه = ۱۵ بهمن در کلیسای حضرت یوسف و حضرت مریم ساعت ۱۰ صبح برگزار می گردد.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۴۲ آیه ۱-۷

رساله: رومیان فصل ۹ آیه ۳۰ الی فصل ۱۰ آیه ۴

انجیل: لوقا فصل ۲ آیه ۲۲-۳۸

یکشنبه ۱۷ بهمن ۹۵ = ۵ فوریه ۲۰۱۷، یکشنبه پنجم تعمید مسیح.

عهد عتیق: اشعیاء نبی فصل ۴۸ آیه ۱۲-۲۰

رساله: عبرانیان فصل ۶ آیه ۹ الی فصل ۷ آیه ۳

انجیل: یوحنا فصل ۳ آیه ۱-۲۱

دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه ۱۸، ۱۹ و ۲۰ بهمن ۹۵ = ۶، ۷ و ۸ فوریه ۲۰۱۷، روزه باعوتای نینوا، پرهیز از گوشت و چربی و روزه تا ظهر.

۲۰ بهمن ۹۵ = ۸ فوریه ۲۰۱۷، دعا و راز قربانی مقدس ساعت ۴ بعدازظهر در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

عهد عتیق: یونس نبی فصل ۳ آیه ۱ الی فصل ۴ آیه ۱۱

رساله: رومیان فصل ۹ آیه ۱۴ الی فصل ۱۰ آیه ۱۷

انجیل: متی فصل ۶ آیه ۱-۱۸

یکشنبه ۲۴ بهمن ۹۵ = ۱۲ فوریه ۲۰۱۷، یکشنبه ششم تعمید مسیح.

عهد عتیق: اشعیاء نبی فصل ۶۳ آیه ۷-۱۶

رساله: عبرانیان فصل ۸ آیه ۱ الی فصل ۹ آیه ۱۰

انجیل: یوحنا فصل ۳ آیه ۲۲ الی فصل ۴ آیه ۳

یکشنبه ۱ اسفند ۹۵ = ۱۹ فوریه ۲۰۱۷، یکشنبه هفتم تعمید مسیح.

عهد عتیق: اشعیاء نبی فصل ۴۲ آیه ۵-۹ و ۱۴-۱۷

رساله: اول تیماتئوس فصل ۶ آیه ۹-۲۱

انجیل: متی فصل ۷ آیه ۲۸ الی فصل ۸ آیه ۱۳

جمعه ۶ اسفند ۹۵ = ۲۴ فوریه ۲۰۱۷، یادبود درگذشتگان، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۰ در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

عهد عتیق: حزقیال فصل ۳۷ آیه ۱-۱۴

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۵ آیه ۳۴-۵۷

انجیل: متی فصل ۲۵ آیه ۳۱-۴۶

یکشنبه ۸ اسفند ۹۵ = ۲۶ فوریه ۲۰۱۷، یکشنبه اول روزه

عهد عتیق: اشعیاء نبی فصل ۵۸ آیه ۱-۱۲ و ۱۴-۵۹

رساله: افسسیان فصل ۴ آیه ۱۷ الی فصل ۵ آیه ۴

انجیل: متی فصل ۳ آیه ۱۶ الی فصل ۴ آیه ۱۷

- از ۹ اسفند ۹۵ = ۲۷ فوریه ۲۰۱۷، به مدت یک هفته پرهیز از گوشت و چربی و روزه تا ظهر